

## بررسی «رابطه رسانه و قدرت» در میزگرد «ایران» با حضور سیدآرش وکیلیان و مجید سلیمانی ساسانی

# جهانی که همه در آن بازنده‌اند

آیا رسانه‌ها «امپراطوران جهان آینده» خواهند شد؟

### علوم ارتباطات

#### مهاره‌رضانی

خبرنگار

استیضاح مدیرعامل «تیک‌تاک» در کنگره آمریکا و نگرانی سیاستگذاران آمریکایی از استقبال این پلتفرم (سکو) در آمریکا، بار دیگر «رابطه رسانه و قدرت» را برای تحلیلگران علوم ارتباطات برجسته کرد. دادگاهی تیک‌تاک در کنگره آمریکا، از این جهت قابل توجه و تحلیل است که می‌تواند گواهی باشد بر اینکه «حکمرانی پلتفرمی» می‌تواند تولید قدرت کند؛ اینکه

در دنیای امروز، «رسانه» و «قدرت» چگونه بهم گره خورده‌اند؟ وجه تمایز «رسانه‌های اجتماعی» امروز با «رسانه‌های جمعی» گذشته در چیست که در خدمت منطق سرمایه‌داری قرار می‌گیرند؟

**دکتر سیدآرش وکیلیان:** با توجه به اقتصاد سیاسی رسانه‌ها، ما در جهان سرمایه‌داری با یکسری غول‌های رسانه‌ای اعم از افراد و شرکت‌ها مواجه هستیم که تعدادی رسانه را به خدمت می‌گیرند تا بتوانند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند و ایدئولوژی خود را بسط دهند .

برخی نظریه‌پردازان که رسانه را به این معنی فهم می‌کنند، رسانه را بخشی از آن نظام تولید می‌دانند که به رونبای جامعه شکل می‌دهد. به عنوان مثال «رسانه‌های اجتماعی» براساس یک منطق خاص اقتصادی که از آن تحت عنوان «اقتصاد توجه» یاد می‌شود، ارزشی را خلق می‌کنند و از این طریق مناسبات اجتماعی را شکل می‌دهند.

در این حالت، این سخن معروف مارشال مک‌لوهان صادق است که «رسانه، پیام است». اینجا دیگر بحث یک رسانه خاص و محتوایی که ارائه می‌کند، نیست. خود ساخت رسانه می‌تواند روی جامعه تأثیر بگذارد. در کنفرانسی که یونسکو در خصوص «رسانه‌های اجتماعی» برگزار کرد، یک کافه‌ی برزیلی عنوان کرد که «رسانه‌های جمعی» با ایجاد یک «روایت عمومی» امکان شکل‌گیری دموکراسی را فراهم می‌کردند در حالی که امروزه «رسانه‌های اجتماعی» با تقسیم‌کردن جامعه به اجتماعات و کامیونیتی‌های متعدد که از فضا، ارتباط چندانی هم باهم ندارند امکان شکل‌گیری دموکراسی را از بین برده‌اند. اگر به این معنا، رسانه را بفهمیم، بحث بسیار پیچیده می‌شود.

اما رسانه‌های اجتماعی به عنوان تهدیدی برای دموکراسی باشند؟ می‌شوند، پس، چگونه می‌توانند تهدیدی برای دموکراسی باشند؟

**دکتر مجید سلیمانی ساسانی:** از ابتدای تاریخ همواره نظام ارتباطی تعیین‌کننده چیسیتی سیاست، فرهنگ و اقتصاد بوده است. شاهد این مدعا، تغییرمعنای سیاست و حکومتداری بعد از گسترش صنعت چاپ یا سهیم صنعت تلگراف در ایجاد دولت-ملت‌ها و شکل‌گیری حکومت مرکزی است. هرقدر هم که جلوتر می‌رویم، سهیم نظام ارتباطی در ساخت آنچه در جامعه می‌گذرد، پیشتر می‌شود و نهایتاً به دوره‌ای می‌رسیم که رسانه‌های جمعی عملاً حاکمیت جوامع را برعهده می‌گیرند. بحث‌های انتقادی که ذیل مفاهیمی چون «توده‌های شدن» طرح می‌شود، به عینه تبیین می‌کند که چگونه یک

### دکتر سیدآرش وکیلیان:

● رسانه‌های اجتماعی بر اساس «منطق اقتصاد توجه»، ارزشی را خلق می‌کنند و از این طریق، مناسبات اجتماعی را شکل می‌دهند. ● خود دولت‌ها از عرضه کردن فناوری نسل سوم شبکه‌های اجتماعی اهمه دارند؛ چون محتمل است با فراگیر شدن این فناوری، ظرف مدت کوتاهی پول‌های ملی ضعیف سقوط کند. ● سکوها (پلتفرم‌ها) به‌عنوان بازیگر جدید سیاسی و اقتصادی، بعد از جامعه سرمایه‌داری تغییر داده و در نظم جدید بین‌الملل همچون یک «دولت» عمل می‌کنند. ● پلتفرم‌ها به واسطه دسترسی‌ای که به اطلاعات کاربران دارند ضمن هدایتگری مناسبات اجتماعی، بعد از مدتی به یک قدرت سیاسی و اجتماعی بدل می‌شوند که نوع مناسبات‌شان، دولت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

جامعه با تحول در نظام ارتباطات وضیعت جدیدی پیدا کرده است. برخلاف تصور رایجی که رسانه‌های اجتماعی را «تکنرگر» و رسانه‌های جمعی را «متمرکز» تلقی می‌کنند، به نظر می‌رسد که «توده‌های شدنی» که در دوران رسانه‌های جمعی رخ می‌داد، عملاً در دوره رسانه‌های اجتماعی تکامل پیدا کرده است و این، به قدرتی که کلان‌داده‌ها برای سیاستگذاران و مالکان آنها ایجاد می‌کند، برمی‌گردد که اصلاً قابل قیاس با دوره رسانه‌های جمعی نیست .

در دوره «رسانه‌های جمعی» افراد می‌توانستند با خاموش کردن تلویزیون یا با کنار گذاشتن روزنامه، خود را از مواجهه با پیام‌ها رها کنند اما در دوره «رسانه‌های اجتماعی» پلتفرم‌ها به نحوی در زندگی روزمره، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ادغام شده‌اند که دیگر کسی را از مواجهه با این رسانه‌ها گزیرو گزیری نیست. این «توده‌ای شدن» به واسطه یک «فرهنگ دیجیتال جهانی» شکل گرفته و به واسطه قدرت کنترلی که دارد، مرتباً فرهنگ‌های حاشیه‌ای، ملی و محله‌ای را محدود تر و یک‌دست‌تر می‌کند. البته همه اینها به همان ایده کلی سرمایه‌داری یعنی تولید و مصرف انبوه» برمی‌گردد و تحقق این امر، منوط به یک‌دست و مشابه‌سازی سلیاق و علایق انسان‌ها است.

هرچند که امکان سخن گفتن برای «فرهنگ‌های حاشیه‌ای» در این پلتفرم‌های جدید، با هزینه بسیار کمتر فراهم شده است و آنها مجبور نیستند برای سخن گفتن، ایستگاه تلویزیونی و رادیویی راه بیندازند، اما فراموش نکنیم که عناصر هویت‌بخش همین فرهنگ‌های محلی مجبور هستند به نفع عناصر هویت‌بخش جهانی، تعدیل‌هایی در خود ایجاد کنند و همین تعدیل، به تدریج زمینه ادغام شدن آنها در فرهنگ جهانی را به دنبال خواهد داشت .

دوگانه «تکنر» و «توده‌ای شدن» به واسطه حاکمیت فرهنگ دیجیتال، اتفاقاً در دوره رسانه‌های اجتماعی نمود بیشتری پیدا کرد و این، علیه دموکراسی است؛ هرچند که سطح مداخله این پلتفرم‌ها در دموکراسی داخلی خیلی زیاد است اما مسأله من دموکراسی داخل کشورها نیست. مسأله من دید بین‌الملل‌ما است و معتقدم نظام جهانی و اقتصاد دیجیتال، تداوم همان ساختارهای استعماری گذشته است. اگر استعمار در گذشته بیشتر متوجه بدن‌ها و منابع مادی کشورها بود امروز و در دوره سرمایه‌استعمار ما با «استعمار ذهن» مواجه هستیم. در این شکل جدید از استعمار، داده‌ها و اطلاعات به مثابه نفت خام هستند



و ما که کاربر رسانه‌های اجتماعی هستیم بطور رایگان لحظه به لحظه داده و اطلاعات این شرکت‌ها را افزایش می‌دهیم. آنان با دادن ۱۵ کیب فضای رایگان به افراد در گوگل درایو یا gmail، عملاً در یک موافقتنامه اولیه اجازه دسترسی به همه اطلاعات کاربران اعم از اینکه چه مکان‌هایی بوده‌اند، چه تراکنش‌های مالی داشته‌اند، چه محتواهایی را جست‌وجو کرده‌اند و ... را از آنان می‌گیرند و این اطلاعات، داده‌های بسیار باارزشی برای این پلتفرم‌ها است و به نوعی پایه‌های اقتصاد جهانی محسوب می‌شود.

**وکیلیان:** باید به این نکته توجه داشت که شبکه اجتماعی به عنوان یک شبکه فضای رایگان به افراد در دسترس است. ما متأسفانه، اهم روی کاغذ، قوانینی تعریف می‌کنند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند به آنها جامه عمل بپوشانند.

از طرفی سکو هم نمی‌تواند خود را با ۱۵۰ کشور تطبیق دهد. به همین دلیل، یکی از راه‌حل‌ها می‌تواند این باشد که دولت‌ها مثل اتحادیه اروپا، اتلاف‌هایی را شکل دهند؛ مثل «اتلاف کشورهای شمال آفریقا» و طی آن سعی کنند با ایجاد یک بازار بزرگ، سکو را ملزم کنند که تعدادی مسائل را بپذیرد. به عنوان مثال، هرزه‌نگاری در خاورمیانه و شمال آفریقا یک خط قرمز اجتماعی پرزنگ است، اگر چنین اتفاقی شکل گیرد، آنان می‌توانند سکو را ملزم کنند که این قواعد را بپذیرد.

و اگر به همگرایی نرسند، چه؟ **وکیلیان:** اگر کشورها به همگرایی نرسند، سکوها (پلتفرم‌ها) می‌توانند نظم خود را برآنها تحمیل کنند. در این فضا چون دولت‌ها نمی‌توانند با سکو تعامل کنند، آن را فیلتر می‌کنند. در این فضا، مردم توأمان هم به پلتفرم‌های خارجی و هم به پلتفرم‌هایی که تحت حاکمیت ملی شان قرار دارند، متصل می‌شوند و به نوعی کاربر، وقت خود را در این فضا، توزیع می‌کند. بدین صورت که در برخی مسائل با هنجارهای سکوی دیگری و در مسائل دیگری با هنجارهای سکوی داخلی پیش روی رود و عملاً نظم دوگانه‌های شکل می‌گیرد که در درازمدت می‌تواند به «انشقاق اجتماعی» منجر شود.

در شرایطی که «توده‌ای شدن» در یک گستره جهانی در حال رقم خوردن است، چقدر می‌توان به اتلاف کشورهای ملی بر سر ارزش‌های مشترک‌شان امیدوار بود؟

**سلیمانی:** در اواسط قرن بیستم، کشورهایی که به تازگی استقلال

پیدا کرده بودند، کنار هم قرار گرفتند و جنبش‌هایی مثل «جنبش عدم تعهد» را ایجاد کردند. «سازمان سکو خیلی پرهزینه خواهد بود. به همین دلیل، اینها هم می‌توانند برخی مقررات را به آن سکو اعمال کنند. اما بقیه دولت‌های ملی در این سطح از قدرت نیستند، اهم فشاری ندارند که به واسطه آن بتوانند سکو را ملزم کنند و هرچند روی کاغذ، قوانینی تعریف می‌کنند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند به آنها جامه عمل بپوشانند.

از طرفی سکو هم نمی‌تواند خود را با ۱۵۰ کشور تطبیق دهد. به همین دلیل، یکی از راه‌حل‌ها می‌تواند این باشد که دولت‌ها مثل اتحادیه اروپا، اتلاف‌هایی را شکل دهند؛ مثل «اتلاف کشورهای خاورمیانه» یا «اتلاف کشورهای شمال آفریقا» و طی آن سعی کنند با ایجاد یک بازار بزرگ، سکو را ملزم کنند که تعدادی مسائل را بپذیرد. به عنوان مثال، هرزه‌نگاری در خاورمیانه و شمال آفریقا یک خط قرمز اجتماعی پرزنگ است، اگر چنین اتفاقی شکل گیرد، آنان می‌توانند سکو را ملزم کنند که این قواعد را بپذیرد.

و اگر به همگرایی نرسند، چه؟ **وکیلیان:** اگر کشورها به همگرایی نرسند، سکوها (پلتفرم‌ها) می‌توانند نظم خود را برآنها تحمیل کنند. در این فضا چون دولت‌ها نمی‌توانند با سکو تعامل کنند، آن را فیلتر می‌کنند. در این فضا، مردم توأمان هم به پلتفرم‌های خارجی و هم به پلتفرم‌هایی که تحت حاکمیت ملی شان قرار دارند، متصل می‌شوند و به نوعی کاربر، وقت خود را در این فضا، توزیع می‌کند. بدین صورت که در برخی مسائل با هنجارهای سکوی دیگری و در مسائل دیگری با هنجارهای سکوی داخلی پیش روی رود و عملاً نظم دوگانه‌های شکل می‌گیرد که در درازمدت می‌تواند به «انشقاق اجتماعی» منجر شود.

در شرایطی که «توده‌ای شدن» در یک گستره جهانی در حال رقم خوردن است، چقدر می‌توان به اتلاف کشورهای ملی بر سر ارزش‌های مشترک‌شان امیدوار بود؟

**سلیمانی:** در اواسط قرن بیستم، کشورهایی که به تازگی استقلال

پیدا کرده بودند، کنار هم قرار گرفتند و جنبش‌هایی مثل «جنبش عدم تعهد» را ایجاد کردند. «سازمان سکو خیلی پرهزینه خواهد بود. به همین دلیل، اینها هم می‌توانند برخی مقررات را به آن سکو اعمال کنند. اما بقیه دولت‌های ملی در این سطح از قدرت نیستند، اهم فشاری ندارند که به واسطه آن بتوانند سکو را ملزم کنند و هرچند روی کاغذ، قوانینی تعریف می‌کنند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند به آنها جامه عمل بپوشانند.

از طرفی سکو هم نمی‌تواند خود را با ۱۵۰ کشور تطبیق دهد. به همین دلیل، یکی از راه‌حل‌ها می‌تواند این باشد که دولت‌ها مثل اتحادیه اروپا، اتلاف‌هایی را شکل دهند؛ مثل «اتلاف کشورهای خاورمیانه» یا «اتلاف کشورهای شمال آفریقا» و طی آن سعی کنند با ایجاد یک بازار بزرگ، سکو را ملزم کنند که تعدادی مسائل را بپذیرد. به عنوان مثال، هرزه‌نگاری در خاورمیانه و شمال آفریقا یک خط قرمز اجتماعی پرزنگ است، اگر در زمینه «اقتصاد دیجیتال»، بین کشورها، هم‌افزایی شکل بگیرد؛ بدین معنا که احساس کنند از نظر اقتصادی در حال سقوط هستند، احتمالاً وارد پیمان‌های منطقه‌ای جدی می‌شوند و شاید از دل آن پیمان‌های منطقه‌ای قدرتی مثل اتحادیه اروپا، به‌وجود آید و بتوانند برای سکوها قوانینی تعیین کرده و آنها را مجبور کنند که مقرراتی را بپذیرند.

**وکیلیان:** می‌توان به معادلات نظام جهانی به شکل دیگری هم نگرست. از آنجا که نظام جهانی به سمت چند تکه شدن پیش می‌رود و دست کم دو تکه بزرگ دارد که یکی اروپا و آمریکا و دیگری چین و کشورها هم پیمان است؛ محتمل است که در کنار این دو، چند اکوسیستم جهانی دیگر هم شکل بگیرد. بدین صورت که هر اکوسیستمی، سکوهایی با مقررات

و شرایط خاص کشورهای عوضی را ایجاد کند و اقتصاد سرمایه‌داری به شکل دیگری در آن رقم بخورد. البته معلوم هم نیست، چون هنوز کشور و قدرتی بجز چین و حوزه اروپا و آمریکا تا این اندازه در حوزه تکنولوژی پیش نیامده است که بتواند سکوها(پلتفرم‌ها) را بر اساس



عکس: رضا معطریان / ایران

الگوی خود شکل دهد.

**سلیمانی:** نکته اساسی همینجا است، مسأله جنبش عدم تعهد و مانند آن، مسأله تکنولوژی نبود. فناوری‌های ارتباطی، بشدت وابسته به تقدم و تأخر است؛ یعنی هر کس جلوتر کاری را پیش برده باشد، بریزو است و اتقدر میان صاحبان فناوری و دیگر کشورها فاصله ایجاد شده که عملاً بخش زیادی از عالم، از کل اقتصاد جهانی به کنار گذاشته شدند. وقتی کشورهای حاشیه‌ای نقش چندانی در اقتصاد جهانی ندارند، چگونه می‌توانند قدرت چانه‌زنی داشته باشند؟ چقدر می‌توان منصور بود که مثلاً برزیل، آمریکای جنوبی و ... نقش فعالی داشته باشند؟ اگر استعداد‌هایی هم در این کشورها وجود داشته باشد، عملاً به کارگران از راه دور همین پلتفرم‌های جهانی تبدیل شده‌اند. چنانچه این روزها، بسیاری از افراد در هند و ایران تولیدات خود را در حوزه انیمیشن، برای شرکت‌های بزرگ ارسال می‌کنند. هم در چنین فضایی به نظر می‌رسد که آن وجه استعماری در مقایسه با قرن بیستم سهیم‌ترین عاملی در حد بی‌سی‌سی‌ای صداوسیما داشته شکل‌گیری ندارد.

آیا این نگرانی خاص کشورهایی همچون ما است؟ استیضاح تیک‌تاک در کنگره آمریکا چقدر می‌تواند مبین نگرانی آنها هم در مورد این نسل از فناوری‌های ارتباطی باشد؟ **وکیلیان:** این نگرانی اختصاص به ما ندارد. کنگره آمریکا نه فقط نسبت به «تیک‌تاک» که به چین وابسته است؛ بلکه نسبت به پلتفرم‌های خود همچون اینستاگرام هم احساس نگرانی می‌کند. «فناوری ارتباطی باقی‌مانده کشورها، معنایی نتوانسته‌اند جایگزین نسل فعلی (نسل دوم) رسانه‌های اجتماعی شوند. نگرانی آمریکا تا آنجا است که حتی اجازه نداد فیس‌بوک با اینستاگرام و واتس‌اپ یک پلتفرم یکپارچه شود و از دیجیتال لیبرا را بهره‌برداری کند؛ چون در این

صورت، دلار ضربه اساسی می‌خورد. رسانه‌های اجتماعی نسل سوم، صدها برابر قوی‌تر از امثال اینستاگرام هستند. چون اینها مستقیماً «ارزش اقتصادی» تولید می‌کنند و شخص برای کسب ارزش از فعالیت خود، نیاز ندارد که معامله بیرونی انجام دهد. در حال حاضر کنگره آمریکا بشدت سعی کرده که رسانه‌های اجتماعی نسل سوم، فراگیر نشود. چین هم همین نگرانی را دارد که مبدا نسل سوم بیاید و نتواند آن را کنترل کند و اگر روزی یکی از آنها این فناوری را عرضه کند طرف دوم که او هم این فناوری را دارد، بلافاصله فناوری نسل سوم خود را عرضه خواهد کرد.

نگرانی از «فناوری‌های نسل سوم شبکه‌های اجتماعی» از چه رو است؟

**وکیلیان:** فناوری نسل سوم شبکه‌های اجتماعی، به مثابه یک جامعه کامل عمل می‌کند بدین معنا که بازار اقتصادی و محیط اجتماعی، فرهنگی و... را به شکلی همزمان در خود دارد. اما نسبت اینها با حوزه حاکمیت دولت‌ها مبهم مانده است. به همین دلیل خود دولت‌ها از عرضه‌کردن این فناوری واهمه دارند. محتمل است با فراگیر شدن این فناوری، ظرف مدت کوتاهی پول‌های ملی ضعیف سقوط کند.

**سلیمانی:** تمام این تحولات ارتباطی، همگی به جایگاه دولت‌ها و فرهنگ‌های ملی ضربه می‌زند. تحولاتی که پلتفرم‌های ارتباطی در حوزه فرهنگی و هویتی رقم می‌زنند شاید آنچنان در کوتاه‌مدت ملموس نباشد اما تأثیری که در حوزه اقتصادی دارند، عمیقاً قابل لمس است و مسأله، نابرابری جهانی است که بعد از این می‌تواند شکل بگیرد، گویی ما به سمت تمرکززادایی عظیم در حرکت هستیم و مشخص نیست که عالم، پس از چنین اتفاقی چگونه خواهد بود.



دولت‌ها چگونه می‌توانند آسیب‌های احتمالی این نسل جدید از رسانه‌ها را تقلیل دهند؟ **وکیلیان:** ما در کشورمان سعی کرده‌ایم از طریق «شبکه ملی اطلاعات» و «پلتفرم‌های بومی» تا حدی اقتصاد ملی را حفظ کنیم و با وجود همه بزرگنمایی‌هایی که می‌شود سهمی که اینستاگرام در اقتصاد ما دارد، کمتر از یک درصد تولید ناخالص داخلی مان (GDP) است، منتهی در ۱۰ سال آینده اگر طرحی برای حفظ حکمرانی در هرسه سطح «ملی»، «منطقه‌ای» و «جهانی» نداشته باشیم، عملاً نمی‌توانیم در برابر این فناوری‌ها مقاومت کنیم؛ چرا که ابزارهای ما برای مواجهه با توجه به پیچیدگی‌های این سیستم بسیار ساده است.

هر چه که می‌گذرد قدرت سکوها، بی‌نهایت بیشتر خواهد شد اما از سوی دیگر با وجود نابرابری در داخل سکوها، این امکان برای افراد وجود دارد که برای خود ارزش آفرینی کنند و برای این مهم لازم نیست بنگاهمی در حد بی‌سی‌سی‌ای صداوسیما داشته باشند.

بازی «مینیکرافت» (Minecraft) حالت ساده و نمثلیی از آن جهانی است که رسانه‌های اجتماعی بزودی خواهند آفرید. یک جهان یکپارچه که یک بخش زیادی از آن حاصل قدرت خلاقیت افراد بسیار محدودی است و برای افراد دقیقاً بر اساس میزان کاری که می‌کنند، ارزش تولید می‌شود و هر کس بتواند با قواعد سکوها کار انجام دهد و داده ارزشمند تولید کند، برنده است.

**سلیمانی:** اتفاقاً در این نظام همه بازنده هستند. شما جهانی را تصور کنید که فقط یکسری افراد موفق می‌خواهد. در چنین جهانی با این نظام مالی و پولی، دیگر مفاهیمی همچون توسعه کشورها، معنایی ندارد. همه چیز به شدت فردی می‌شود و اگر هم موفقیتی باشد مربوط به اشخاص است نه جوامع. با این توصیفات دولت ملی، فرهنگی ملی، هویت ملی و ارزش‌های مشترک همه بی‌معنی می‌شود. نابرابری بین کشورهای هسته‌ای و در حاشیه و بحران‌های اجتماعی گسترده به واسطه اختلافات طبقاتی به‌وجود می‌آید و دولت‌ها عملاً توان حکمرانی خود بر اقتصاد، فرهنگ و مرزهای ملی را از دست خواهند داد. برای کم‌کردن آسیب‌های احتمالی این رسانه‌ها، نیازمند مداخلات اخلاقی جدی هستیم و امروز بیش از هر زمانی مباحث «اخلاق تکنولوژی» ضرورت پیدا کرده است.

### دکتر مجید سلیمانی ساسانی:

● اگر استعمار در گذشته بیشتر متوجه بدن‌ها و منابع مادی کشورها بود، امروز به واسطه رسانه‌ها ما با «استعمار ذهن» مواجه هستیم. ● در این شکل جدید از استعمار، داده‌ها و اطلاعات به مثابه نفت خام هستند و ما که کاربر رسانه‌های اجتماعی هستیم به‌طور رایگان لحظه به لحظه داده و اطلاعات این شرکت‌ها را افزایش می‌دهیم. ● «رسانه‌های جمعی» افراد می‌توانستند با خاموش کردن تلویزیون یا با کنار گذاشتن روزنامه، خود را از مواجهه با پیام‌ها رها کنند اما در دوره «رسانه‌های اجتماعی» پلتفرم‌ها به نحوی در زندگی روزمره، اقتصاد، سیاست و فرهنگ ما ادغام شده‌اند. ● «توده‌ای شدن» به واسطه یک فرهنگ دیجیتال جهانی شکل گرفته و به واسطه قدرت فرهنگی که دارد، فرهنگ‌های حاشیه‌ای، ملی و محله‌ای را محدودتر و یک‌دست‌تر می‌کند.